



میلیون گلوله توپ تولید کند که با این میزان به طور بالقوه از آمریکا پیشی می‌گیرد. این امر امکان است برای اوکراین بسیار دیر باشد، زیرا طبق گفته رایین متال، یک تولیدکننده اسلحه اروپایی، این کشور به خودی خود حدود ۱٫۵ میلیون در سال نیاز دارد. به نظر می‌رسد هنوز احساس فوریت زمان جنگ وجود ندارد؛ چرا که تولیدکنندگان اروپایی ۴۰ درصد از تولید گلوله خود را به کشورهای غیر اتحادیه اروپا به جز اوکراین صادر می‌کنند. زمانی که کمیسیون اروپا پیشنهاد داد که اوکراین باید از منظر قانون در اولویت قرار گیرد، کشورهای عضو آن وارد کردند.

اروپا سال‌ها به چنین لحظاتی فکر کرده است. در سال ۲۰۱۹، امانوئل مکران، رئیس‌جمهور فرانسه، به این روزنامه گفت که متحدان باید «واقعیت ناتو را در پرتو تعهد ایالات متحده ارزیابی کنند». ایده «خودمختاری استراتژیک» اروپا که زمانی تنها توسط فرانسه مطرح شد، توسط کشورهای دیگر پذیرفته شد. هزینه‌های دفاعی که پس از اولین حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۱۴ شروع به افزایش کرد، اکنون به طور چشمگیری افزایش یافته است. در آن سال، تنها سه متحد ناتو به چشم‌انداز هزینه ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی برای دفاع دست یافتند. امسال حداقل ۱۸ کشور، ۶۲ درصد از متحدان اروپایی، به آن میزان دست خواهند یافت. مجموع هزینه‌های دفاعی اروپا به حدود ۳۸۰ میلیارد دلار - تقریباً به اندازه هزینه‌های روسیه - خواهد رسید.

← بزرگ‌اندی

با این حال، این اعداد برای اروپا گول‌زننده است. مخارج دفاعی آن به طور نامتناسبی قدرت رزمی کمی دارد و نیروهای مسلح آن کمتر از مجموع قطعات آن‌هاست. این قاره برای رسیدن به توانایی دفاع از خود در برابر حمله توسط یک نیروی روسی بازسازی شده، که ممکن است در اواخر دهه ۲۰۲۰ ظاهر شود، فاصله دارد. در نشست سال گذشته، رهبران ناتو اولین طرح‌های دفاع ملی جامع خود را پس از جنگ سرد تصویب کردند. مقامات اتحاد می‌گویند که این برنامه‌ها مستلزم افزایش حدود ۵۰ درصد هزینه‌های دفاعی نسبت به امروز و افزایش کل آن به ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی هستند. در حال حاضر تنها آمریکا، لهستان و یونان در چنین سطحی قرار دارند.

حتی زمانی که اروپا می‌تواند نیروهای نظامی تولید کند، اغلب

مرگ الکسی ناوالنی، رهبر اصلی اپوزیسیون روسیه، در ۱۶ فوریه به خودی خود شوکی برای اروپا بود. اما برای رهبرانی که این ماه در کنفرانس امنیتی مونیخ، گردهمایی سالانه بزرگان دفاع و امنیت گرد هم آمده بودند، مرگ آقای ناوالنی تنها یکی از چندین تحول شوم برای این قاره بود. در ۱۷ فوریه، ارتش اوکراین، که به دلیل عدم تصویب لایحه کمک‌های تکمیلی توسط کنگره، محتاج دریافت مهمات آمریکایی بود، مجبور به عقب‌نشینی از شهر شرقی آودیوکا شد. این اولین پیروزی نظامی ولادیمیر پوتین را در یک سال گذشته به ارمغان آورد.

بن‌بست در کنگره منعکس‌کننده نفوذ مضر دونالد ترامپ است که مخالفت شدید او با کمک به اوکراین، جمهوری خواهان را وادار به تسلیم کرده است. یک هفته پیش، آقای ترامپ به یکی از متحدانش گفته بود که اگر نسبت به اهداف هزینه‌های ناتو کوتاهی بورزند، از آن‌ها دفاع نخواهد کرد.

تلاقی تسلیح مجدد روسیه، وخامت موقعیت اوکراین و بازگشت احتمالی ترامپ به کاخ سفید، اروپا را به خطرناک‌ترین مقطع خود در دهه‌های اخیر رسانده است. دولت‌ها و ارتش‌های اروپایی به این فکر می‌کنند که آیا می‌توانند بدون متحد ۸۰ ساله خود از این بحران عبور کنند. مسئله فقط این نیست که آیا آمریکا اوکراین را رها خواهد کرد یا خیر، بلکه این است که آیا ممکن است اروپا را نیز رها کند. اروپا برای پر کردن فضای باقی‌مانده از غیبت آمریکا محتاج آن است که اقداماتی بسیار بیشتر از صرف افزایش هزینه‌های دفاعی انجام دهد. بلکه باید ماهیت قدرت نظامی، نقش بازدارندگی هسته‌ای در امنیت اروپا و پیامدهای سیاسی گسترده سازمان و ساختار نظامی را مورد بازنگری قرار دهد.

مقامات آمریکایی و اروپایی همچنان امیدوارند که کمک‌های آمریکا به اوکراین برسد. در ۱۷ فوریه، پتر پاول، رئیس‌جمهور چک، گفت که کشورش ۸۰۰ هزار گلوله جنگی پیدا کرده است که می‌تواند ظرف چند هفته به کشور ارسال شود. بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان، در مصاحبه با اکونومیست، اصرار داشت که تولید تسلیحات اروپا با بیشترین سرعت ممکن در حال افزایش است و گفت که بسیار خوشبین است که اروپا بتواند خلأ آمریکا را برطرف کند.

مارک روت، نخست‌وزیر هلند در ۱۷ فوریه گفت: «ما باید از غرزدن درباره ترامپ دست برداریم. این به آمریکایی‌ها بستگی دارد. ما باید با هر کسی که در زمین رقص است کار کنیم».

یکی از مقامات آمریکایی به اکونومیست می‌گوید که اگر کمک‌های آمریکا به طور کامل از بین برود، احتمالاً اوکراین ضرر خواهد کرد. اروپا باید بتواند تا اواخر امسال با نرخ سالانه ۱ تا ۲



فایده لوازم مورد نیاز برای مبارزه مؤثر و طولانی‌مدت هستند؛ مواردی از قبیل: (۱) قابلیت‌های فرماندهی و کنترل مانند افسران ستادی که برای اداره ستادهای بزرگ آموزش دیده‌اند؛ (۲) اطلاعات، نظارت و شناسایی، مانند هواپیماهای بدون سرنشین و ماهواره‌ها؛ (۳) قابلیت‌های لجستیکی، از جمله حمل‌ونقل هوایی؛ و (۴) مهمات برای این که بتوان یک هفته یا بیشتر دوام آورد.

مایکل کافمن، کارشناس نظامی، می‌گوید: «ارتش‌های اروپایی کارهایی را که می‌توانند، بسیار خوب انجام می‌دهند، اما معمولاً نمی‌توانند بسیاری از آن‌ها را برای مدت طولانی انجام دهند و صرفاً برای دوره اول جنگی که ایالات متحده رهبری خواهد کرد، پیکربندی شده است». هم‌چنین مسئله فرماندهی ذاتاً سیاسی است. تردید جدی وجود دارد که کشورهای عضو اتحادیه اروپا بتوانند بر سر شکلی معادل فرمانده عالی متفقین اروپا، ژنرال ارشد اتحاد که طبق معمول یک آمریکایی است توافق کنند.

لهستان یک نمونه آموزنده برای تسلیح مجدد اروپا است. این کشور ۴ درصد از تولید ناخالص

